

عطری از تقوا در کوچه‌های مشهد

به بهانه سالگرد مرحوم آیت‌ا... میرزا جواد آقا تهرانی

میرزا جواد علی‌نور
فقیه و روحانی

آیت‌ا... میرزا جواد آقا تهرانی جزو شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار حوزه علمیه مشهد بود که زندگی‌اش تجلی پیوند عمیق میان علم، عمل، اخلاق و مردم‌داری بود. او نه تنها در علوم دینی صاحب نظر بود، بلکه در تهذیب نفس و تربیت اخلاقی شاگردان، جایگاهی ممتاز داشت. بسیاری از اهل علم و طلاب، او را «معلم اخلاق» می‌نامیدند؛ لقبی که نه از روی تعارف، بلکه از سر حقیقتی جاری در رفتار و گفتار او بود.

او در خانواده‌ای متمول و مذهبی در تهران به دنیا آمد، اما هیچ‌گاه ثروت و رفاه را به رخ نکشید. زندگی‌اش ساده، بی‌تکلف و آمیخته با زهد بود. خانه‌اش در مشهد، محل رفت‌وآمد طلاب، فقرا و مردم عادی بود. او با همه با روی باز خورد می‌کرد و هیچ‌گاه خود را از مردم جدا نمی‌دانست. این روحیه مردمی، یکی از دلایل محبوبیت و احترام عمیق مردم مشهد به آیت‌ا... بود.

در عرصه علمی، میرزا جواد آقا تهرانی از شاگردان برجسته حوزه‌های علمیه قم و نجف بود. در نجف از محضر بزرگانی چون آیت‌ا... محمدتقی آملی بهره برد و پس از بازگشت به ایران، در مشهد اقامت گزید و به تدریس، تألیف و تربیت شاگردان پرداخت. درس‌های اخلاقی او در مدرسه نواب مشهد، سال‌ها محل تربیت نفوس مستعد بود. او در این جلسات، نه تنها از آیات و روایات بهره می‌برد، بلکه با مثال‌های ملموس و تجربه‌های شخصی، مفاهیم اخلاقی را برای شاگردانش قابل فهم و کاربردی می‌کرد. یکی از ویژگی‌های برجسته آیت‌ا... نگاه نقادانه‌اش به عرفان مصطلح بود. با آنکه خود اهل سلوک و معنویت بود، با انحرافات فکری برخی جریان‌های عرفانی مخالفت می‌کرد. او معتقد بود که عرفان حقیقی باید در خدمت دین و عقل باشد، نه در تقابل با آن. در کتاب «عارف و صوفی چه می‌گویند؟» به تفصیل به نقد عرفان‌های انحرافی پرداخت و تلاش کرد مرز میان حقیقت و خیال را روشن سازد.

در عرصه اجتماعی و سیاسی، میرزا جواد آقا تهرانی حضوری فعال اما مستقل داشت. سال ۱۳۵۸، به عنوان نماینده مردم خراسان در مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد و در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش ایفا کرد. با این حال، هیچ‌گاه خود را دگیر جناح‌بندی‌های سیاسی نکرد و استقلال حوزه علمیه را پاس داشت. رابطه‌اش با امام خمینی^(ع)، رابطه‌ای برپایه احترام و دغدغه‌های مشترک دینی بود. او از انقلاب اسلامی حمایت کرد، اما همواره بر حفظ استقلال روحانیت تأکید داشت.

از جمله آثار مکتوب وی می‌توان به «بررسی در پیرامون اسلام» (در رد افکار احمد کسروی)، «بهبای چه می‌گوید؟» (نقد بهائیت)، و «میزان المطالب و آیین زندگی» (درس‌هایی از اخلاق اسلامی) اشاره کرد. این آثار نشان دهنده عمق اندیشه، دغدغه‌های فرهنگی و تلاش او برای دفاع از اسلام در برابر هجمه‌های فکری زمانه است.

میرزا جواد آقا تهرانی دوم آبان ۱۳۶۸ در مشهد دار فانی را وداع گفت و در بهشت رضای مشهد به خاک سپرده شد. اما میراث معنوی و فکری او همچنان در دل شاگردان، آثار مکتوب و خاطرات مردمی که با او زیسته‌اند، زنده است. او نمونه‌ای از عالمی ربانی بود که در عین پایبندی به سنت‌های دینی، نگاهی روشن و نقادانه به تحولات زمانه داشت و همواره در پی اصلاح، تربیت و هدایت جامعه بود.

در روزگاری که نیاز به الگوهای اخلاقی و معنوی بیش از پیش احساس می‌شود، بازخوانی زندگی و شخصیت میرزا جواد آقا تهرانی می‌تواند چراغ راهی برای نسل امروز باشد؛ نسلی که در جست وجوی صداقت، سادگی، علم و معنویت است. او نه تنها یک استاد، بلکه یک راهنما، یک پناه و یک الگو برای زیستن بود.



درس‌هایی از منش اخلاقی استاد:

۱. برهیز از القاب و تعارفات

یکی از شاگردان ایشان نقل می‌کند که آیت‌ا... تهرانی به شدت از تعارفات بیجا و القاب پرطمطراق برهیز می‌کرد. وقتی کسی در نامه‌ای او را با عنوان «حضرت آیت‌ا... العظمی» خطاب کرده بود، ایشان با ناراحتی گفت: این القاب را برای من ننویسید، من نه آیت‌ا... هستم و نه عظمی. فقط یک طلبه‌ام.

۲. مراقبت در پاسخ به استفتائات

ایشان در پاسخ به استفتائات دینی، دقتی مثال‌زدنی داشت. گاهی برای یک سؤال ساده، ساعت‌ها مطالعه و با چند نفر از علما مشورت می‌کرد تا مبدا یا پاسخ او موجب گمراهی یا اشتباه شود. یکی از نزدیکانش می‌گوید، پاسخ دادن برای ایشان مثل نوشتن حکم دادگاه بود؛ با دقت، بامسئولیت و با ترس از خدا.

۳. مهر مادری

در یکی از خاطرات آمده است که روزی مادری با فرزند خردسالش به دیدار آیت‌ا... آمد. کودک، بی‌قراری می‌کرد و مادر شرمند بود. آیت‌ا... تهرانی کودک را در آغوش گرفت و گفت: این گریه‌ها صدای زندگی‌اند. خانه‌ای که صدای کودک در آن نباشد، بی‌وی مرگ می‌دهد.

۴. نهج البلاغه مرا نجات داد

ایشان در یکی از جلسات درس گفته بود: در دوران جوانی، دچار تردیدهایی شده بودم. نمی‌دانستم راه درست کدام است تا اینکه با نهج البلاغه انس گرفتم. کلمات امیرالمؤمنین^(ع) مثل نوری در تاریکی بودند. نهج البلاغه مرا نجات داد.

۵. کمک بی‌نام‌ونشان

یکی از طلاب جوان که دچار مشکلات مالی شده بود، بی‌آنکه چیزی بگوید، روزی پاکتی دریافت کرد که در آن مبلغی پول بود. هیچ نامی روی پاکت نبود. بعدها فهمید که این کمک از سوی آیت‌ا... تهرانی بوده است. وقتی از ایشان تشکر کرد، آقا فقط لبخند زد و گفت: اگر نامم را می‌دانستی، ثوابش کم می‌شد.

۶. پرداختن به مباحث علمی حتی در سفر

در سفرهای زیارتی یا تفریحی، آیت‌ا... تهرانی هیچ‌گاه از مباحث علمی غافل نمی‌شد. در مسیر مشهد به نیشابور، با همراهانش درباره تفاوت فلسفه اسلامی و فلسفه غربی بحث می‌کرد و می‌گفت: تفریح، یعنی آرامش ذهن، و ذهن من با علم، آرام می‌گیرد.

این خاطرات، فقط گوشه‌ای از زندگی پرنور و پرمعنای آیت‌ا... میرزا جواد آقا تهرانی است. او نه تنها عالمی برجسته، بلکه انسانی کامل بود که در هر لحظه از زندگی‌اش، به تربیت، خدمت و بندگی خدا مشغول بود.

شکر

شنبه
۲ آبان ۱۴۰۴
۲ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۴

SHAHIRANEWS.IR



مهر

گزارش

سبکی خاص از زندگی

موضوع «ذکر» اگر با نگاه صحیح و اصولی نگریسته شود، در زندگی ما تأثیری عمیق و بی‌مثال دارد اما مشکل آنجاست که ما معمولاً از ذکر صرفاً یک معنا اراده می‌کنیم و بر این باوریم که ذکر صرفاً جنبه زبانی دارد و به گفتن سبحان!... و الحمدا... ختم می‌شود، اگرچه این لازم است اما کافی نیست؛ چرا که در فرهنگ قرآن، «ذکر، سبکی از زندگی و آگاهی همیشگی است که مسیر حیات آدمی را تغییر می‌دهد. «ذکر» در لغت یعنی به یاد آوردن که در قرآن هم همین معنا را دارد؛ البته به یاد داشتن و به یاد آوردن پروردگار جهانیان.

مهر

دانما و قلبا به یاد خدا باشیم

نکته مهم در رسیدن به حال ذکر و سبک زندگی ناشی از آن، این است که بدانیم ذکر صرفاً بیان اذکار و اوارد نیست و بخش کوچکی از آن، مربوط به زبان می‌شود. ذکر آگاهی درونی و توجه قلبی دانمی نسبت به خداست و راه رسیدن به معنای قرآنی آن، تمرین و ممارست است؛ همان‌طور که در پرورش اندام باید تمرین و ممارست کرد، برای ذکر زبانی، قلبی و عملی هم باید تمرین کرد و اهتمام داشت.

ودیعہ فطری در انسان

یکی از تمرینات برای رسیدن به مقام و حالت ذکر، شناخت و معرفت است؛ چنان‌که وقتی نام شخصی را مقابل ما می‌آورند، تا او را نشناسیم، معنا و تصویری در ذهنمان نقش نمی‌بندد. در این شناخت نیز لازم است انسان، صفات خدا مثل قدرت، رحمت، رزاقیت، اینکه او خالق زیبایی‌هاست و... را بشناسد و هرچه بیشتر نعمت‌های او را به یاد بیاورد. آن‌گاه یاد خدا خواه ناخواه در وجودش تقویت می‌شود؛ چون ذکر، فطرتا در انسان به ودیعہ گذاشته شده است و قرآن تأکید می‌کند این ودیعہ را تقویت و حفظ کنیم، به تعبیر شاعر «هرگز نگویمت که بیا دست من بگیر/ گویم گرفته‌ای، ز عنایت رها میکن!» خدا از ما می‌خواهد رشته ذکر و یاد او را رها نکنیم.

تفکر در آفاق و انفس

گام دیگر در مسیر ذکر، تفکر در آفرینش و آیات آفاقی است؛ اینکه در آفرینش زمین و آسمان و وجود خود تأمل کنیم و متوجه نشانه‌های خدا در آن‌ها باشیم؛ چنان‌که قرآن بسیار به آیات آفاقی مثل ستارگان و گردش آسمان و زمین به عنوان قدرت خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: «شب را مایه آرامش شما قرار دادیم.» برای آنکه ودیعہ ذکر و یاد خدا در ما تربیت شود، یکی از راه‌های مهم، تفکر در آیات انفسی است، مثل نگریستن انسان به وجود خود؛ چنان‌که امیرالمؤمنین^(ع) در نهج البلاغه می‌فرمایند: «انسان با چربی (پیه) می‌بیند، با استخوان (استخوان‌های گوش) می‌شنود و با تکه‌ای گوشت یعنی زبان سخن می‌گوید، تأمل در این‌ها سبب ذکر در انسان می‌شود.»

بررسی چپستی، چرایی و آثار «ذکر»

چه کنیم خدا هوایمان را داشته باشد؟

آمنه مستقیمی! وقتی به انبوه قطعات پازل زندگی نگاه می‌کنیم، اغلب دنبال نقشه‌ای می‌گردیم که ما را در چپنش صحیح این قطعات کنار هم و تکمیل پازل کمک کند بدون آنکه گیج و سردرگم شویم یا راه را بیراهه برویم. غافل از آنکه آسان‌ترین و دردسترس‌ترین نقشه راه را خالق هستی نشانمان داده است. منتها ما غافلیم و سرگرمی‌ها ما را از آن باز می‌دارد. «ذکر، جزو مهم‌ترین راهبردهای رسیدن به سعادت است که قرآن کریم به ما معرفی می‌کند. لذا در بررسی چپستی و چگونگی و برکات آن با حجت الاسلام والمسلمین مجتبی عرفانیان، استاد حوزه، از کارشناسان مذهبی مشهد مقدس و سخنران آستان قدس رضوی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

غرب هم آرامش را در معنویت می‌داند

اگرچه القانات مثبت، احترام و احسان در حق والدین و... ترک کارهایی مثل عجب، تنبلی و حسادت، آدمی را به سطحی از آرامش می‌رساند اما ما معتقدیم و حتی غرب در مطالعات خود ثابت کرده است که درمان، با معنویت کاربردی است. اینجا هم بازمی‌گردیم به آنکه ذکر و یاد خدا، مایه آرامش است؛ یعنی حتی در غرب و دنیای مسیحیت با همان دین حداقلی، انسان اگر به یاد خدا باشد و دست خود را در دست قدرت برتر او قرار دهد، دیگر احساس تنگی و فشار نخواهد کرد.

از زبان به قلب، پل بزینم

تقویت سبک زندگی همراه با ذکر، نیازمند تمرین است اما به تناسب استعداد و توانمندی‌ها؛ برای مثال به کسی که اهل ورزش نبوده است، در ابتدا نرمش‌های آسان می‌دهند و می‌گویند مدتی را فقط نرم بدو و بعد، حرکات حرفه‌ای به او داده می‌شود، در ذکر هم این‌گونه است؛ انسان بهتر است از کم شروع کند؛ مثل تقید به تسبیحات حضرت زهرا^(س) بعد از نماز؛ کم‌کم این اذکار از زبان به دل راه می‌یابد و عمیق‌تر می‌شود؛ برای مثال من معلم وقتی در کلاس نشستم یا حتی روی منبر، نمی‌توانم ذکر زبانی بگویم، اما در دل الحمدا... و شکر می‌گویم و بابت قدرت فکر و پردازش اطلاعاتی که خدا عطا کرده است، تشکر می‌کنم.

**حجت الاسلام والمسلمین
مجتبی عرفانیان:**
راه رسیدن به معنای قرآنی ذکر، تمرین و ممارست است؛ همان‌طور که در پرورش اندام باید تمرین و ممارست کرد، برای ذکر زبانی، قلبی و عملی هم باید تمرین کرد و اهتمام داشت

وقتی خدا هوایمان را دارد

دستاورد دیگر ذکر خدا، آن است که خدا از ما یادی می‌کند. همه ما دوست داریم مقام بالاتر از ما یاد کند؛ برای مثال وقتی رئیس سراغ ما را می‌گیرد، چقدر خوشحال می‌شویم. حال اگر خدا به عنوان برترین قدرت عالم به یاد ما باشد، چه احساسی خواهیم داشت؟ خداوند در آیه ۱۵۲ سوره بقره می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» من را یاد کنید تا شما را یاد کنم... این ثمره ذکر است که آفریدگار هستی هوای انسان را دارد؛ چنان‌که وقتی حضرت موسی^(ع) با نیل روبه‌رو شد، در حالی که فرعون و سپاهش به دنبال او بودند، در پاسخ یاران که گفتند گرفتار شدیم، فرمود: «إِنِّي مُعَيَّرٌ بِي» (شعراء، ۶۲)

زندگی‌هایی که زندان است

مهم آنکه همان قدر که ذکر خدا ثمره و برکت دارد، اعراض از آن هم آدمی را به غفلت و تنگنا می‌اندازد؛ چنان‌که قرآن کریم در آیه ۱۲۴ سوره طه می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» هر که از هدایت من که سبب یاد کردن از من در همه امور است روی بگرداند، برای او زندگی تنگ (و سختی) خواهد بود. باید توجه داشت تنگی و فشار فقط مادی نیست؛ چه بسیار افرادی که از نظر مالی، غنی هستند اما از نظر روحی و عاطفی در سختی، تنگی و فشار به سر می‌برند. گاهی ممکن است انسان، دنیا را هم نداشته باشد اما گویی تحت فشار قبر است! وقتی انسان یاد خدا را از دست داد و سبک زندگی‌اش به جای ذکر، دچار غفلت شد و اعراض کرد (اعراض یعنی روی گردانی آگاهانه از خدا و دین و آموزه‌هایش) به دنیا و تنگی آن، مبتلا می‌شود. دنیا همچون آب دریا، شور است که هرچه بیشتر از آن بنوشی، تشنه‌تر می‌شوی و این عطش، آدمی را به سختی مبتلا می‌کند.

رسالت ذکر... در معماری روح

حانیه سالم! آیا تا به حال وسط شلوغی خیابان یا پشت فرمان، ناگهان دلتان خواسته است فقط بگویید «یا خدا؟» انسان هر قدر گرفتار کار و درس و زندگی باشد، در اعماق وجودش نیاز به ارتباط با نیرویی دارد که از تمام بی‌پناهی‌ها نجاتش دهد؛ نیرویی که حساب و کتاب دنیایی از درکش عاجز است. آن پناهگاه، خداست. برای مؤمنان، ارتباط با خدا مثل نفس کشیدن است؛ نه فقط زمانی که مشکلی هست، بلکه حتی در لحظات عادی نیز. این پیوند روح را آرام و متعادل نگه می‌دارد. راه‌های زنده نگه داشتن این ارتباط فراوان اند، دعا، ذکر، نماز، عبادت و سلوک معنوی، هر کدام، رنگی از گفت‌وگو با محبوب‌اند.

● نماز؛ دیدار روزانه با محبوب

نماز رسمی‌ترین شکل گفت‌وگو با خداست؛ قالبی ثابت، اما پر از احساس. در نماز، بدن، ذهن و روح هم‌زمان رو به خدا می‌ایستند. حتی اگر ذهنمان لحظه‌ای پریشان شود، همین ایستادن و تکرار حضور، دل را آرام می‌کند. نماز یعنی دیدار روزانه با محبوبی که هر بار تجدید رابطه می‌کند و حضورش را به یاد می‌آورد.

● عبادت؛ فراتر از سجاده

عبادت محدود به رکوع و سجده نیست. هر کار نیکویی که برای رضای خدا انجام شود،

● سلوک معنوی؛ قدم‌های آرام و پیوسته

سلوک معنوی یعنی در تمام کارهایمان رضای خداوند را در نظر بگیریم. این راهی است پر از لغزش و توقف، اما جفتش مهم است؛ همیشه رو به سوی خدا بودن. مثل کسی که گاهی می‌افتد، اما باز برمی‌خیزد تا شما مسیر را ادامه دهد. معنویت، سرعت نیست، بلکه استمرار است. هر قدم کوچک در جهت درست، خود سلوک است.

● دعا؛ گفت‌وگوی صمیمانه با خدا

دعا، زبان بی‌پرده دل است، مثل حرف‌های یک فرزند با مادرش. نیازی به واژه‌های سنگین نیست؛ فقط باید دل صادق باشد. گاهی میان امتحان فقط می‌گوییم: «خدا یا کمک کن!» یا پس از موفقیت زیر لب می‌گوییم: «خدا یا شکر!» همان لحظه‌هاست که پیوند برقرار می‌شود؛ همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است: «أُذْغُونِي اسْتِجِبْ لَكُمْ» مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، «دعا دعوت به گفت‌وگوست، نه صرفاً درخواست. دعا یعنی از اندیشیدن به خدا، به مرحله حرف زدن با او برسیم؛ مرحله‌ای ساده اما عمیق.

● ذکر؛ حضور خدا در ضربان زندگی

ذکر فقط تکرار «سبحان...» و «الحمد لله» نیست؛ هرچند آن کلمات نور دل‌اند. ذکر، یاد خدا در تمام لحظه‌های زندگی است. وقتی وسط کار و شلوغی یادمان می‌افتد که او ناظر بر کارهای ماست، یا در زمان اضطراب زیر لب می‌گوییم «یا...»، همان حضور زنده

یادداشت

عبادت است؛ کمک به رهگذر، لبخند برای آرام کردن دل کسی، یا گذشت از خطای دیگری. گاهی همین کارهای ساده، از ساعت‌ها دعا اثر بیشتری دارند. وقتی معنای عبادت را درست بفهمیم، زندگی معنای تازه می‌گیرد و طعمش شیرین‌تر می‌شود.

● راز ماندگاری؛ ارتباط با خدا

این ارتباط زمانی زنده می‌ماند که صادقانه و بی‌پوسته باشد. کارهای خوب اگر از روی عادت باشند، رنگ می‌بازند اما یک نگاه راستین به آسمان، می‌تواند راه دل را بگشاید. رابطه با خدا مثل دوستی است که همیشه حضورش را حس می‌کنیم، حتی وقتی نمی‌بینیمش.

وقتی دعا، ذکر، نماز و سلوک با هم بیایند، مثل رشته‌های درهم‌تنیده یک طناب، پیوند روح را محکم‌تر می‌کنند. اگر این طناب ارتباط محکم بافته شود، طوفان‌های زندگی هم نمی‌توانند آن را پاره کنند.